

بررسی مضامین و آموزه‌های سیاسی

در کتاب‌های درسی دوره‌ی ابتدایی

بنفشه افهمی^۱

چکیده:

آدمی در ارتباط با دیگران و طی فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی از طریق عوامل مختلف جامعه‌پذیری سیاسی رفته رفته با جهان سیاست آشنا می‌گردد. از طریق فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی است که شخص بسیاری از ارزش‌ها، باورها، هنجارها و به‌طور کلی فرهنگ سیاسی جامعه‌ی خویش را می‌آموزد. فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی است که به فرد آنچه را که نظام سیاسی و جامعه به عنوان یک شهروند از وی انتظار دارند، تلقین می‌کند. عوامل متعددی در فراگرد جامعه‌پذیری سیاسی ایفای نقش می‌کنند. از این میان نقش کتب درسی و محتوای سیاسی‌ای که از طریق این کتاب‌ها به دانش‌آموزان، آموزش داده می‌شود، انکارناپذیر است.

پژوهش حاضر به بررسی مفاهیم و مضامین سیاسی در کتاب‌های درسی دوره‌ی ابتدایی می‌پردازد. جامعه‌ی آماری این پژوهش را کتاب‌های درسی دوره‌ی ابتدایی اول تا پنجم دبستان در سال تحصیلی ۱۳۸۰-۱۳۸۱ واحد تحلیل آن را درکلیه‌ی درس‌ها و نقش‌های اول سیاسی تشکیل می‌دهد. مفاهیم و آموزه‌های سیاسی در سه بخش آموزشی، نگرش، رفتار سیاسی مورد بررسی قرار گرفت. به‌طور کلی از تعداد کل ۱۹۳ درس سیاسی، در ۱۹ درس یعنی ۹/۸ درصد از آنها، هدف صرفاً آرائه‌ی اطلاعات یا دانش‌های سیاسی به دانش‌آموزان بوده است. این در حالی است که در

۳۶/۳ درصد از دروس آموزش هر سه مقوله‌ی اصلی دانش، نگرش و رفتار سیاسی مد نظر قرار گرفته است و در ۳۸/۳ درصد از دروس نیز دانش‌های سیاسی به همراه نگرش‌ها آموزش داده شده‌اند. رفتار سیاسی کمتر در دروس دوره‌ی ابتدایی آموزش داده شده است. همچنین در ۵۲/۴ درصد از موارد درکل پایه‌های تحصیلی، درباره‌ی نقش‌های سیاسی مطالب و مضامین سیاسی ارائه شده است. در بیشتر دروس سیاسی یعنی ۶۴/۵ درصد آنها، مساحتی کمتر از ۶۰۰ سانتی متر مربع به آموزش مطالب و آموزه‌های سیاسی اختصاص داده شده است.

کلید واژگان اصلی: جامعه‌پذیری، جامعه‌پذیری سیاسی، مفاهیم و آموزه‌های سیاسی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

آدمی در هنگام تولد ارگانیکم زنده‌ای بیش نیست که تنها از طریق کنش متقابل با دیگران و تحت تعلیم و تربیت قرار گرفتن توسط آنان از شخصیت انسانی برخوردار می‌شود. به وسیله‌ی همین کنش‌ها و آموزش‌هاست که می‌آموزد، چگونه خود را با جامعه هماهنگ کرده و زندگی خویش را قاعده‌مند سازد. اصولاً پرورش کودک در خلاء انجام نمی‌شود و در چارچوب نظام و ارزش‌های رایج پرورده می‌شود. تلقین ارزش‌های رایج که ساخت نظام بر آن متکی است، عنصر سیاسی را به عنوان عنصری حاکم به میدان می‌آورد. این عنصر با اثرگذاری در فرآیند پرورش اجتماعی در ذهن کودک رفته رفته وی را با مفاهیم جامعه، اقتدار، مشارکت، همبستگی و جز آن آشنا می‌کند و شرایط انطباق وی را با جامعه فراهم می‌آورد. (قوام، ۱۳۷۱)

بنابراین «برای این که شخص قادر به زندگی اجتماعی باشد، ضروری است تا به طریقی، دیدگاهی وسیع، در مورد سیاست به طور عام و مکانیسم‌های زندگی سیاسی - اجتماعی، حقیقت‌نهادهای سیاسی، رهبران و سیاستمداران جامعه و امثالهم، به طور خاص، کسب نماید». (موجسویز، ۲۰۰۰)

بر همین اساس پیوند میان آموزش و پرورش رسمی و نظام سیاسی امری است که از

مدت‌ها قبل مورد توجه اندیشمندان و محققان نامدار قرار گرفته است؛ به عنوان مثال *ارسطو* معتقد است که «آموزش و پرورش سیاسی، مهمترین علت فاعلی جامعه‌ی کمال مطلوب است. وی عنوان می‌دارد که از میان تمامی فراگرد مؤثر بر خصلت نظام‌های سیاسی، فراگرد آموزش و فراگیری از همه مهمتر است» (تی بلوم^۱، ۱۳۷۳).

هس و تورنی (۱۹۶۷) در تحقیقات خود بدین نتیجه دست یافتند که آموزش و پرورش رسمی و به طور خاص مدارس عمومی، یکی از مهمترین و مؤثرترین عوامل در جامعه‌پذیری سیاسی افراد محسوب می‌گردند (ایچیلو^۲، ۱۹۹۰).

فیلسوفان و عالمان اجتماعی را اعتقاد بر این است که آموزش و پرورش رسمی هم توسط نظام سیاسی تعیین می‌شود و هم خود تعیین‌کننده‌ی نظام سیاسی است. به عبارت دیگر همواره دو سؤال اصلی مطرح است که عبارتند از: آموزش و پرورش تا چه اندازه، مشارکت در فعالیت‌های سیاسی را ترویج می‌کند و تا چه اندازه نظام سیاسی را تحت تأثیر و کنترل دارد؟ به اعتقاد برخی کلمن، بهترین تعبیر را در مورد رابطه‌ی مدرسه و دولت دارد وی می‌گوید: هر چه که در دولت است در مدرسه هم است و هر چه که می‌خواهید در دولت وارد کنید، باید در مدرسه وارد کنید (شارع پور، ۱۳۷۸).

ارسطو فیلسوف نامدار از سالیان بسیار قبل بدین موضوع پرداخته است. به اعتقاد وی «مهمترین راه بقای حکومت‌ها که کمتر دولتی به آن اعتنا کرده است، سازگار کردن روش تربیت افراد با روح و سرشت قانون اساسی کشور است» (ارسطو، ۱۳۷۴).

بنابراین میان آموزش و پرورش یا به طور خاص مدرسه و دولت رابطه‌ی تنگاتنگی وجود دارد. از یک طرف دولت، مفاهیم، آموزه‌ها و پیام‌های سیاسی مورد نظر خود را از طریق مدرسه به دانش‌آموزان تلقین می‌کند و از سوی دیگر مدرسه با آموزش امور سیاسی مورد قبول نظام، کودکان را برای تصدی نقش‌های مختلف در جامعه به گونه‌ای

1. T. Bloumes.

2. Ichilov.

که به عنوان عضوی مورد پذیرش اجتماع درآیند، آماده ساخته و زمینه‌ی ثبات و بقای نظام سیاسی را فراهم می‌آورد.

پس برای این که نظام سیاسی و دولت قادر به حفظ و تداوم حیات خود باشد و بتواند دستورات و فرامین خود را به همگان بقبولاند، نیازمند نیروی پشتیبانی در جامعه است. «بذر پشتیبانی از نظام سیاسی، هم در سنین اولیه در جمعیت کودکان پاشیده می‌شود و در این مراحل است که نسل قدیمی‌تر، نسل جدید را در جریان اعتقادات، معیارها و ارزش‌های سیاسی جامعه قرار می‌دهد» (مهرداد، ۱۳۷۶).

محققان و عالمان صاحب‌نظر، از مدت‌ها قبل به موضوع آموزش سیاسی و تأثیر جامعه‌پذیری سیاسی به ویژه در دوران کودکی توجه خاصی مبذول داشته‌اند. همچنان که افلاطون در کتاب جمهوریت خود، توجه زیادی به موضوع آموزش سیاسی کودکان نشان داده است و معتقد است که «جهت آموزش قوانین، مطابق آنچه که دولت می‌خواهد و به وجود آوردن دولتی مطلوب و مردمانی مطاع، باید از سنین کودکی ارزش‌های مطلوب سیاسی را به آنان آموزش داد» (افلاطون، ۱۳۵۳).

یافته‌های مربوط به مطالعات جامعه‌پذیری سیاسی هم بر این مهم صحه گذاشته‌اند؛ به طوری که تورنی^۱ (۱۹۶۷) در تحقیق خود به این نتیجه رسیده است که تا پایان مقطع ابتدایی، جامعه‌پذیری سیاسی در کودکان تثبیت می‌شود و این نتیجه‌نشان دهنده‌ی اهمیت آموزش شهروندی در مقاطع ابتدایی مدارس است (شارع‌پور، ۱۳۷۸).

بنابراین می‌توان گفت که کودکان در مقاطع ابتدایی مهمترین جوانب شخصیت سیاسی خود را به دست می‌آورند و بر اساس آنچه در این سال‌ها می‌آموزند، رفتار سیاسی آینده‌اشان شکل می‌پذیرد. پس فراگرد جامعه‌پذیری سیاسی، از مهمترین فرآیندهای نظام سیاسی و اجتماعی یک جامعه و نیروهای پشتیبان نظام هم از مهمترین نیروهایی است که باید مورد توجه هر نظام سیاسی قرار گیرد. حال چنان که خاطر نشان

گردید، مدرسه نقش عمده‌ای را در به انجام رسانیدن این مهم ایفا می‌کند. «اما نقش اصلی نظام آموزشی و مدرسه در جامعه‌پذیری سیاسی زمانی آغاز می‌شود که مدارس سعی می‌کنند، به صورت مستقیم ارزش‌هایی را به کودک تلقین کنند. در این دوره محتوای دروسی که به کودک ارائه می‌شوند، نقشی اساسی را بر عهده دارند» (کمالی، ۱۳۷۴).

از آنجایی که بخش عظیمی از اوقات دانش‌آموزان - به ویژه در مقطع ابتدایی که دانش‌آموز، بیشترین تماس را با آن دارد - در خواندن، نوشتن، و به خاطر سپردن متن کتاب‌های درسی صرف می‌شود، بررسی محتوای سیاسی آنها از اهمیت خاصی برخوردار است، خصوصاً این‌که کتاب‌های درسی، ابزار مهمی جهت ارائه‌ی فرهنگ سیاسی و ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر یک جامعه محسوب می‌گردند. «در واقع متن کتاب‌های درسی آینه‌ی تمام‌نمایی است که الگوهای مورد انتظار نظام از نقش شهروندان در یک جامعه، از آن طریق منعکس می‌گردد. بنابراین بررسی محتوای حقیقی و پیام واقعی این منابع از اهمیت خاصی برخوردار است» (ایچیلوو، ۱۹۹۰).

علیرغم این که در تحقیقات بی‌شماری به جامعه‌پذیری سیاسی از زوایای گوناگون آن، توجه شده است، اما حجم پژوهش‌های انجام شده در خصوص چگونگی انجام این امر به وسیله کتاب‌های درسی، بسیار ناچیز است. محققانی هم که به این مهم توجه مبذول داشته‌اند، تنها به بررسی تعداد بسیار محدودی از پیام‌های سیاسی موجود در کتاب‌ها پرداخته‌اند.

تمامی تحقیقات صورت گرفته در این زمینه به گونه‌ای، بدین نکته اشاره دارند که فرهنگ سیاسی کشورها به نوعی در کتب درسی آنها تجلی یافته است. از آنجایی که فرهنگ سیاسی هر کشوری، با دیگری متفاوت است، بالطبع محتوای سیاسی کتاب‌ها هم در کشورهای مختلف، متمایز از دیگری است.

حال این سؤال مطرح است که وضعیت کتاب‌های درسی در کشور ما از این حیث چگونه است و چه موضوعات و مطالب سیاسی در آنها آموزش داده می‌شود؟ برای پاسخ به سؤال اساسی پژوهش مفاهیم و مضامین سیاسی در کتاب‌های درسی دوره‌ی

مورد بحث از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفت:

الف) دانش سیاسی:

۱- چه اطلاعات یا دانش‌های سیاسی پیرامون نظام سیاسی و اجزاء و ارکان آن آموزش داده می‌شود؟

۲- چه اطلاعات یا دانش‌های سیاسی پیرامون جریانات و وقایع سیاسی - تاریخی آموزش داده می‌شود؟

۳- چه اطلاعات یا دانش‌های سیاسی پیرامون روابط و مسائل بین‌المللی آموزش داده می‌شود؟

ب) نگرش سیاسی:

۱- چه نوع نگرش‌های سیاسی پیرامون مبانی ارزشی نظام سیاسی آموزش داده می‌شود؟

ج) رفتار سیاسی:

چه نوع رفتارهای سیاسی پیرامون فعالیت‌های مشارکتی آموزش داده می‌شود؟ پژوهش حاضر را می‌توان در دسته‌ی تحقیقات راهبردی که به منظور ساختن زمینه‌های علمی لازم مسائل جاری و آتی انجام می‌شود، جای داد. از آنجا که سطح مطالعه‌ی این پژوهش توصیفی است، باید آن را در تحلیل محتواهای توصیفی قلمداد کرد.

نکته‌ی قابل توجه در پیمایش‌های توصیفی این است که این قبیل پیمایش‌ها، عمدتاً به ما می‌گوید که چند نفر از افراد یک جامعه دارای برخی صفات خاص هستند و یا برخی حوادث غالباً چندبار تکرار می‌شود. این پیمایش برای آن نیست که چیزی را شرح دهد یا ارتباطات موجود بین متغیری با متغیر دیگر را اثبات کند. با استفاده از این پیمایش اطلاعات مورد نیاز دولت‌ها، مدیران، برنامه‌ریزان، سیاستمداران و فراهم می‌شود. کار این قبیل پیمایش‌ها اساساً واقع‌یابی و ارائه‌ی آمار است (اوپنهام^۱، ۱۳۷۵).

روش تحقیق

در روش اجرای پژوهش باید گفت که به شیوه‌ی مشاهده‌ی غیرمستقیم از طریق تکنیک تحلیل محتوا، عمل شد. بدین صورت که متغیرهای مورد سنجش از نظریات مختلف جامعه‌شناسی و علوم سیاسی استخراج شده و پس از تهیه‌ی کدنامه و پرسشنامه و کدگذاری متغیرها از طریق تحلیل متن کتاب‌ها، اطلاعات استخراج گردیده و جهت انجام عملیات آماری به برنامه‌ی آماری داده شد. جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل کلیه‌ی درس‌ها و نقش‌های اول سیاسی کتاب‌هاست. به دلیل هموزن نبودن پایه‌های تحصیلی، عملاً نمونه‌گیری از دروس و سپس تعمیم آنها به تمام پایه‌های تحصیلی، غیرمنطقی نادرست به نظر می‌رسید. بنابراین از شیوه‌ی تمام شماری استفاده گردید و کلیه‌ی دروسی که دارای محتوای سیاسی بود، مورد تحلیل قرار گرفت. جهت تحلیل متن و آموزه‌های سیاسی کتاب‌های درسی، واحد درس‌های سیاسی و نقش‌های اول سیاسی برگزیده شد. بدین صورت که ابتدا پس از بررسی کلیه‌ی درس کتاب‌ها، آن درس‌هایی که پیام و مضمونی سیاسی را (چه به طور مستقیم و چه غیرمستقیم) آموزش می‌دادند، تعیین گردید. سپس براساس پرسشنامه‌ی تهیه شده جهت بررسی درس‌ها، عملیات کدگذاری صورت گرفت. پس از تحلیل درس‌های سیاسی، به بررسی نقش‌های اول سیاسی آن دروس اقدام شد؛ یعنی فردی که نقش اول و عمده‌ی دروس را برعهده داشت و تعیین گردیده و از جوانب مختلف و با توصیف متغیرهایی چند، مطابق پرسشنامه‌ی مربوطه مورد تحلیل قرار گرفت و عملیات کدگذاری این قسمت نیز انجام گردید. از آنجا که تحقیق معمولاً اندازه‌ای تعریف می‌شود که ابزار موردنظر چیزی را اندازه‌گیری کند که قصد اندازه‌گیری‌اش را داریم، گزینش مقوله‌ها و واحدهای محتوا، احتمال نتیجه‌گیری‌های معتبر را به طور یکسان افزایش یا کاهش می‌دهد؛ یعنی تا آنها شاخص‌های مناسبی برای اندازه‌گیری رویدادها، ایستارها یا رفتارهای موردنظر تحلیل‌گر نباشد، نتایج به دست آمده از یافته‌ها، معتبر نخواهد بود (هولستی^۱، ۱۳۷۳).

بر همین اساس، اعتبار این پژوهش از دو راه سنجیده شده است که در ذیل می‌آوریم:

۱- اعتبار محتوا

اعتبار محتوا که گاهی اوقات از آن به عنوان، «اعتبار صوری» نیز یاد می‌شود، غالباً تکیه بر روش تحلیل محتوا است. اگر هدف پژوهش توصیف محض باشد، معمولاً اعتبار محتوا کافی است (هولستی؛ ۱۳۷۳).

بر مبنای همین ضرورت، جهت کسب اعتبار صوری این پژوهش هم، در انتخاب مقولات، متغیرها و واحدهای تحلیل با اساتید، محققان و پژوهشگران مربوطه مشورت شد و در نهایت با توافق صاحب‌نظران امر، مقولات (اصلی و فرعی) و متغیرهای مرتبط با هر کدام از آنها و واحدهای تحلیل مشخص گردید. و به این ترتیب به اعتبار محتوا یا صوری پژوهش نایل آمدیم.

۲- اعتبار سازه‌ای

با مطالعه‌ی کتب درسی، ملاحظه گردید که بسیاری از مسائل و مضامین و آموزه‌های سیاسی و در واقع فرهنگ سیاسی - اسلامی مان، از طریق کتاب‌های درسی به کودکان آموزش داده می‌شود. از آنجا که بسیاری از نتایج حاصله از این پژوهش، مؤید دیدگاه‌های محققان پیشین است و به همان نتایجی که آنها دست یافته‌اند، محقق نیز نایل آمد، و نیز از آنجا که تا حد زیادی پیش بینی‌های نظری محقق مورد تأیید قرار گرفت، می‌توان ادعا کرد که این پژوهش از اعتبار سازه‌ای بالایی هم برخوردار است.

همچنین شرط عینیت پژوهش هم پایایی مقیاس‌ها و روش‌ها است؛ یعنی رسیدن به نتایجی مشابه، با به کارگیری معیارهای تکراری، با ابزاری یکسان در نمونه‌ی مفروضی از اطلاعات پایایی، کارکرد مهارت، بصیرت و تجربه‌ی رمزگذاران، صراحت مقوله‌ها و قواعد رمزگذاری که کاربرد آنها را هدایت می‌کند و درجه‌ی عدم ابهام اطلاعات است (پیشین، ۱۳۷۳).

بنابراین جهت رسیدن به پایایی تحقیق با لحاظ کلیه‌ی شرایط سنجش پایایی و به کارگیری معیارهای این سنجش، کدگذاری (۶ درصد)، از درس‌ها و نقش‌های سیاسی کتاب‌های مختلف مورد بررسی این پژوهش، توسط داوران صاحب‌نظر صورت گرفت.

پس از آن ضرایب توافق کدگذاری توسط داوران و کدگذاری توسط محقق سنجیده شد. جهت سنجش، از فرمول ضریب توافق استفاده شد. مهمترین یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که:

- تعداد دروس سیاسی در پایه‌ی پنجم ابتدایی (۸۹ درس) بیش از سایر پایه‌های تحصیلی است. به عبارت دیگر با تغییر پایه‌ی تحصیلی از اول به پنجم بر میزان مطالب و مضامین سیاسی هم افزوده شده است.

- کتاب‌های تاریخ، فارسی و دینی بیشترین نقش را در آموزش مطالب و مباحث سیاسی به کودکان بر عهده دارند؛ این در حالی است که برخلاف انتظار، کتاب‌های مدنی و تعلیمات اجتماعی کمترین نقش را در این زمینه ایفا می‌کنند.

یافته‌ها

باتوجه به بررسی‌های تحلیلی صورت گرفته از محتوای کتب درسی دوره‌ی ابتدایی نتایج به دست آمده‌ی زیر قابل تأمل است:

جدول شماره‌ی ۱: توزیع فراوانی درس‌های سیاسی به تفکیک کتاب‌های درسی

درصد فراوانی	فراوانی	عنوان کتاب
۲۹/۵	۵۷	فارسی
۲۱/۲	۴۱	دینی
۷/۸	۱۵	تعلیمات اجتماعی
۳۰/۶	۵۹	تاریخ
۱۰/۹	۲۱	مدنی
۱۰۰	۱۹۳	جمع

- کتاب‌های تاریخ، فارسی و دینی بیش از سایر کتاب‌های درسی مورد تحلیل در این پژوهش، به آموزش نقش‌های سیاسی پرداخته‌اند.

جدول شماره‌ی ۲: توزیع فراوانی نقش‌های سیاسی به تفکیک

کتاب‌های درسی

عنوان کتاب	فراوانی	درصد فراوانی
فارسی	۴۳	۲۶/۲
دینی	۳۹	۲۳/۸
تعلیمات اجتماعی	۹	۵/۵
تاریخ	۷۳	۴۴/۵
جمع	۱۶۴	۱۰۰

= در بیشتر دروس سیاسی یعنی ۶۴/۵ درصد آنها، مساحتی کمتر از ۶۰۰ سانتی‌متر مربع به آموزش مطالب و آموزه‌های سیاسی اختصاص داده شده است. همچنین در بیشتر دروس سیاسی یعنی ۷۸/۴ درصد آنها حجم مطالب سیاسی بین ۱۰۱ تا ۶۰۰ سانتی‌متر مربع بوده است. مجموع مساحت درس‌های سیاسی به ترتیب در پایه‌های پنجم، چهارم و سوم، بیش از سایر پایه‌های تحصیلی است.

جدول شماره‌ی ۳: توزیع مجموع مساحت و حجم مطلب دروس سیاسی

به تفکیک پایه‌های تحصیلی

پایه تحصیلی	مجموع مساحت	مجموع حجم مطالب
اول	۱۰۷۲	۳۳۲/۴۰
دوم	۳۲۹۶	۱۶۷۰
سوم	۲۷۴۷۶	۱۶۲۵۱
چهارم	۲۱۶۱۲	۱۹۵۴۵
پنجم	۴۰۵۷۰	۳۵۶۸۶

= در مجموع در بیشتر درس‌های سیاسی بیش از رفتارهای سیاسی مورد آموزش قرار گرفته‌اند.

جدول شماره ۴: توزیع فراوانی درس‌های سیاسی بر حسب

مقولات اصلی مورد بررسی در این پژوهش

درصد فراوانی	فراوانی	مقولات اصلی
۹/۸	۱۹	دانش سیاسی
۱۰/۴	۲۰	نگرش سیاسی
۳۶/۳	۷۰	هر سه مورد
۳۸/۳	۷۴	دانش و نگرش سیاسی
۵/۲	۱۰	نگرش و رفتار سیاسی
۱۰۰	۱۹۳	جمع

- در مجموع از ۱۹۳ درس سیاسی ارائه شده، مربوط به دوره‌ی تاریخی اسلام تا انقلاب اسلامی بوده است. همچنین در اکثر موارد پیرامون نقش‌های اول سیاسی دوره‌ی تاریخی اسلام تا انقلاب اسلامی بحث و بررسی شده است و نقش‌های اول سیاسی در کمترین موارد متعلق به دوره‌ی تاریخی انقلاب اسلامی تا به حال بوده‌اند.

جدول شماره ۵: توزیع فراوانی دروس سیاسی بر حسب دوره‌ی تاریخی

درصد فراوانی	فراوانی	دوره‌ی تاریخی
۱۰/۹	۲۱	قبل از انقلاب
۲۲/۹	۷۷	از اسلام تا انقلاب
۲۵/۹	۵۰	از انقلاب اسلامی تا به حال
۲۳/۳	۴۵	نامشخص
۱۰۰	۱۹۳	جمع

- در اکثر موارد، تصویری از ایفاگران نقش‌های مثبت و منفی سیاسی ارائه نشده است. در مواردی هم که تصویری از نقش‌های اول سیاسی آورده شده است و بیشترین تصاویر (۳۱/۷ درصد) مربوط به ایفاگران نقش مثبت سیاسی است. همچنین در مجموع در بیشتر موارد، رنگ تصاویر ایفاگران نقش‌های مثبت و منفی سیاسی روشن بوده است.

- افراد متعلق به طبقه‌ی فرمانروایان بیش از طبقه‌ی فرمانبرداران، نقش‌های منفی سیاسی را ایفا کرده‌اند و نخبگان سیاسی حاکم بیش از نخبگان سیاسی غیر حاکم، نقش‌های منفی سیاسی را ایفا کرده‌اند.

در مورد تعلیم آموزه‌های مرتبط با دانش، نگرش و رفتار سیاسی و شاخص‌های مربوطه نتایج نشان می‌دهد که:

الف) دانش‌های سیاسی:

۱- دانش به مبانی نظام سیاسی و اجزاء و ارکان آن

- بیشترین تأکید کتاب‌ها در آموزش نسبت به مبانی نظام سیاسی و عناصر اصلی شکل‌گیری دولت - کشور بر قدرت‌های سیاسی متمرکز بوده است و کمترین توجه نیز به آموزش پیرامون سرزمین ایران، صورت گرفته است. تنها در ۱۵/۵ درصد از دروس سیاسی آموزه‌هایی در خصوص ملیت‌گرایی ارائه شده است.

- در اکثر موارد نقش اول سیاسی را مردان ایفا کرده‌اند؛ یعنی همان‌طوری که در طول تاریخ سیاسی ما واقعیت داشته است، در واقع بیشتر نقش‌های مهم سیاسی مردانه بوده است و زنان بسیار کمتر از مردان در سیاست نقش اول را بازی کرده‌اند. لازم به توضیح است که بیشتر نقش‌های اول سیاسی کتاب‌ها جزو طبقه‌ی فرمانروایان و مربوط به رژیم‌های پادشاهی مطلقه‌ی ایران بوده‌اند.

جدول شماره‌ی ۶: توزیع فراوانی نقش‌های اول سیاسی برحسب جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد فراوانی
زن	۵	۳
مرد	۱۴۹	۹۰/۹
هر دو	۱	۰/۶
نامشخص	۹	۵/۵
جمع	۱۶۴	۱۰۰

- براساس تقسیم‌بندی پارسونز از انواع نقش‌های سیاسی، در کتاب‌های درسی از

مجموع ۱۶۴ نقش اول سیاسی، تعداد ۱۲۰ نفر آنها یعنی ۷۳/۲ درصد، جزو نقش‌های راهبردی سیاسی بوده‌اند. نقش‌های کمکی، با نفوذ و عادی سیاسی کمتر آموزش داده شده‌اند. همچنین بر اساسی نظریه و در ۵۶/۵ درصد از موارد، نقش‌های اول سیاسی دارای اقتدار کاریزماتیک بوده‌اند. و پس از آن افرادی که دارای اقتدار سنتی بوده، ایفای نقش کرده‌اند. ایفاگران نقش‌های اول سیاسی در اکثریت موارد، دارای کنش‌های جهت‌دار سیاسی بوده‌اند. به عبارت دیگر در اکثر آموزه‌های مربوطه، کنش‌های جهت‌دار سیاسی مثل غلبه کردن بر دیگری و تلاش یا رقابت برای کسب قدرت و آموزش داده شده است.

۲- دانش به جریانات و وقایع سیاسی - تاریخی :

- در اکثر دروس (۷۶/۶ درصد)، به آموزش رخدادهای مهم تاریخی پرداخته شده است. همچنین در ۳۵/۸ درصد از دروس، در خصوص بحران‌های سیاسی آموزه‌ها، مفاهیم و پیام‌های سیاسی ارائه شده است. در بین انواع بحران‌های سیاسی، در اکثر درس‌ها، به بحران‌های مشروعیت حاصل از سلطه‌ی پادشاهان مستبد و خود رأی حاکم بر ایران در طول تاریخ، اشاره شده است و مبارزات سیاسی که در قالب نقش‌های اول، به دانش‌آموزان، آموزش داده شده است، بیشتر از نوع مبارزات با رژیم‌های سیاسی (۶۵/۹ درصد) است.

۳- دانش به مسائل و روابط بین‌المللی و مطالعات فرهنگی

از مجموع کل ۱۹۳ درس، درباره‌ی نوع رابطه‌ی بین‌المللی ایران با سایر کشورهای خارجی در طول تاریخ، آموزه‌هایی ارائه شده است؛ که از آن میان در اکثر موارد (۷۶/۱ درصد) از دروس، درباره‌ی رابطه‌ی خصمانه‌ی ایران با سایر کشورهای خارجی طی تاریخ سیاسی کشورمان بحث شده است.

ب) نگرش‌های سیاسی :

- در اکثر درس‌ها یعنی ۷۵/۱ درصد آنها، در کنار آموزه‌های سیاسی، مضامین دینی هم آورده شده است.

به عبارت دیگر در اکثر موارد، به رابطه‌ی دین و سیاست در فرهنگ سیاسی ما، اشاره شده است و مضامین سیاسی بر اساس مضامین دینی و ارزش‌های مذهبی تدوین

شده و مورد آموزش قرار گرفته‌اند.

- در ۵۹/۱ درصد از دروس سیاسی هر سه نوع جهت‌گیری شناختی، عاطفی و ارزیابانه نسبت به مطالب و مباحث مختلف سیاسی اتخاذ شده است.

- نسبت به نقش‌های اول سیاسی هم در بیشتر موارد یعنی ۶۷/۱ درصد، هر سه نوع جهت‌گیری شناختی، عاطفی و ارزیابانه اتخاذ شده است. فقط در ۳ درصد از موارد جهت‌گیری نسبت به نقش‌های اول سیاسی صرفاً از نوع شناختی بوده است.

- در بیشتر درس‌ها، در آموزش ارزش‌های سیاسی به دانش‌آموزان، تأکید بر حفظ انجام و همبستگی ملی بوده است. پس از آن در ۱۸/۱ درصد از درس‌ها بر ارزش فداکاری سیاسی تأکید شده است. ارزش‌های سیاسی چون آزادی و وطن‌پرستی و حفظ استقلال کشور، کمتر مورد آموزش قرار گرفته‌اند.

- در مورد هنجارهای سیاسی که در قالب نقش‌های اول سیاسی آموزش داده شده است، در بیشترین موارد، نقش‌های اول سیاسی فداکاری کرده‌اند. پس از آن به اجرای عدالت و حفظ انسجام و همبستگی اجتماعی پرداخته‌اند. در کمترین موارد به آموزش درباره‌ی حفظ استقلال کشور و احترام به قوانین در قالب نقش‌های اول سیاسی، اقدام شده است.

ج) رفتارهای سیاسی

- در ۴۵/۷ درصد، نقش‌های اول سیاسی هیچ نوع فعالیت مشارکتی سیاسی نداشته‌اند. در ۳۱/۱ درصد فعالیت‌های مشارکتی سیاسی آنها، از نوع مشارکت جویانه بوده است.

- بیشترین درصدی که متعلق به نوع فعالیت‌های مشارکت جویانه‌ی نقش‌های اول سیاسی بوده، مربوط به فعالیت‌های اعتراضی آنها (۱۸/۳ درصد) علیه رژیم‌های سیاسی و حاکمان مستبد است. فقط در ۰/۶ درصد از موارد ایفاگران نقش اول سیاسی فعالیت مشارکتی تشویق به رأی دادن را انجام داده‌اند.

- در مورد فعالیت‌های پیرومنشانه که به طور کلی در ۲۳/۱ درصد موارد، توسط نقش‌های اول سیاسی انجام شده است، بیشترین فراوانی مربوط به اطاعت از رهبران، (۱۱/۶ درصد) بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری

آدامز ولوریکاتس (۱۹۸۹) از بررسی کتاب‌های درسی و نیز غیردرسی در مدارس ابتدایی آمریکا دریافتند، محتوای کتاب‌های درسی ابتدایی حاوی کلیشه‌های جنسیتی است و زنان به ندرت شخصیت اصلی حوادث و داستان‌ها هستند. نتایج تجربی پژوهش حاضر هم بر این امر صحّه می‌گذارد. در کتاب‌های درسی دوره‌ی ابتدایی، تنها در ۵/۰ درصد نقش اول سیاسی توسط زنان ایفا شده است. در حالی که در ۹۰/۹ درصد از موارد مردان نقش اول سیاسی را بر عهده داشته‌اند. این امر حاکمیت نظام مرد سالارانه را در طول تاریخ و فرهنگ سیاسی ما می‌رساند. در حالی که نیازهای جامعه‌ی فعلی چیز دیگری و فعالیت و شرکت گسترده هر دو جنس در امور اجتماع خصوصاً در عرصه‌ی سیاست را می‌طلبد. بنابراین ضروری است که به جامعه‌پذیری زنان و دانش‌آموزان دختر هم در عرصه‌ی سیاست به میزان مردان توجه شود تا آنان هم به عنوان نیمی از اعضای جامعه یاد بگیرند که می‌بایست در صحنه‌های سیاسی حضور گسترده داشته باشند.

آلموند و پاول (۱۹۹۲) هم تحقیقی بر روی فرهنگ سیاسی چهار کشور اروپایی انجام دادند. آنان در قسمتی از تحقیق خود اظهار داشتند، که در درس تعلیمات مدنی در مدارس نمونه‌ای از جامعه‌پذیری مستقیم محسوب می‌شود. (آلموند و پاول، ۱۳۷۷)

گلنار مهران محقق ایرانی هم در یافته‌های حاصل از تحلیل محتوای کتاب‌های درسی ایران، بدین نتیجه دست یافته که در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی، مدنی و نیز دینی به ارائه‌ی مستقیم آموزه‌های سیاسی پرداخته شده است، در حالی که کتاب‌های فارسی بیشتر به طور غیرمستقیم بدین مهم پرداخته‌اند.

آنچه که ما هم در این پژوهش بدان دست یافتیم، تأیید تحقیقات و نظریات پیشین است. در بیشترین موارد مطالب، مضامین و آموزه‌های سیاسی در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی و مدنی و نیز دینی به صورت مستقیم ارائه شده است و بیشترین اشاره‌ی غیرمستقیم به مباحث سیاسی هم در کتاب‌های فارسی ملاحظه گردید. بخشی دیگر از

نتایج تحقیق گلنار مهران حاکی است، مضامینی چون همدردی با فقرا و جنگ با نابرابری‌ها، پیام‌های ضد حکومت استبدادی، فداکاری و شهادت در کتاب‌های درسی مورد توجه است.

محقق در پژوهش حاضر نیز بدین نتایج دست یافت که به آموزش ارزش‌هایی چون فداکاری، عدالت، و غیره در کتاب‌ها مبذول شده است. مطابق با هنجارهایی هم که نقش‌های اول سیاسی انجام داده بودند، بیشتر رعایت و اجرای عدالت، فداکاری، حفظ انسجام و همبستگی و امثالهم بود. شایان ذکر است که مطابق گفته گلنار مهران، در کتاب‌های درسی پیام‌های ضد حکومت استبدادی از طریق نکوهش رژیم‌های سیاسی استبدادی و نقش‌های منفی که توسط حکام و افراد مستبد ایفا شده بود، هم در موارد بسیاری مشاهده گردید. مبین شورش در تحقیق خویش تأکید کرد؛ پس از انقلاب اسلامی ارزش‌های اسلامی و مضامین دینی در کنار مسائل سیاسی در کتاب‌های درسی آموزش داده می‌شود. وی بدین نتیجه دست یافت که دو مسئله‌ی عمده‌ی ایرانیان مذهب و میهن‌پرستی است که در کلیه‌ی کتاب‌ها تعلیم داده می‌شود. همچنین وحدت و انسجام میان شهروندان هم در تمامی کتب درسی، مورد تأکید قرار گرفته است. نتایج این پژوهش هم نشان داد که در کنار بیشتر مطالب سیاسی، مضامین دینی هم آموزش داده شده‌اند. اما در تعداد کمی از دروس، بر میهن‌پرستی و نیز ملیت‌گرایی تأکید شده است. در حالی که انسجام و وحدت ملی به عنوان ارزش و هنجار سیاسی در بیشتر درس‌ها مورد آموزش قرار گرفته است.

پی‌نوشت‌ها

۱. محققان و صاحب‌نظران مختلف تعاریفی گوناگون از جامعه‌پذیری سیاسی به دست داده‌اند. به عنوان مثال سیگل (۱۹۶۵) آن را چنین تعریف می‌کند:
- «جامعه‌پذیری سیاسی عبارت است از فراگیری تدریجی ارزش‌ها، هنجارها، ایستارها (نگرش‌ها) و رفتارهای قابل قبول برای یک نظام سیاسی در حال تغییر»
- ایستون جامعه‌پذیری سیاسی را روند توسعه‌ای می‌داند، که طی آن افراد جهت‌گیری‌ها و الگوهای رفتار سیاسی را کسب می‌کنند.
- به اعتقاد *رزاولکین و هندالواستاسی* جامعه‌پذیری سیاسی به فرآیندهای توسعه یافته‌ای اشاره دارد که به وسیله‌ی آن یک شخص دانش‌ها، نگرش‌ها، ارزش‌ها، و نقش‌های سیاسی و غیره و به تبع آنچه که وی را به عنوان عضوی مؤثر در اجتماع می‌سازد، کسب می‌نماید. آنچه را که از تعریف جامعه‌پذیری سیاسی مدنظر این پژوهش است، همان تعریف نولی است که به طور مختصر آن را تلقین اطلاعات یا دانش‌ها، نگرش‌ها و الگوهای رفتاری سیاسی به افراد یک جامعه می‌داند.
۲. «تعریف محدود اجتماعی شدن سیاسی در کوشش‌های آشکار جوامع تواتالیت‌ر برای القای ارزش‌های معین از طریق نظام آموزشی همان‌گونه «لنین» و «هیتلر» گفته‌اند، به خوبی روشن می‌شود: «تنها با تغییر شکل اساسی آموزش، سازماندهی و تربیت جوانان، خواهیم توانست تضمین کنیم که نتایج تلاش‌های نسل جوان ایجاد جامعه‌ای متفاوت با جامعه‌ی قدیم، یعنی جامعه‌ای کمونیستی است» (سخنرانی لنین برای اتحادیه‌ی جوانان کمونیست، ۲ / اکتبر / ۱۹۲۰).
- هنگامی که یکی از مخالفان اعلام می‌کند: «من در کنار شما قرار نخواهم گرفت» من به آرامی می‌گویم، فرزند شما هم اکنون به ما تعلق دارد، شما چه هستید؟ شما در می‌گذرید، اما فرزندان شما اکنون در اردوی جدید قرار دارند. در زمانی کوتاه آنها هیچ چیز دیگری را به جز این اجتماع جدید نخواهند شناخت (سخنرانی هیتلر، ۱۰ / نوامبر / ۱۹۹۳).

در همان زمان در کتاب‌های درسی در آلمان نازی به کودکان یاد داده می‌شد که در درجه‌ی نخست باید نسبت به دولت آن‌گونه که در پیشوا یعنی آدولف هیتلر تجسم یافته است وفادار باشند. همه‌ی کتاب‌های درسی می‌بایست با ایدئولوژی نازی هماهنگ باشند و حتی در کتاب‌های درسی ریاضی از مثال‌های مناسب استفاده می‌شد. این مثال‌ها شامل محاسبه‌ی مساحت و جمعیت مستعمراتی که آلمان در جنگ جهانی اول از دست داده بوده، ظرفیت و عملکرد هواپیماهای نظامی و وسایل مربوط به مسئله‌ی یهود، مانند تعداد و نسبت یهودیان آلمان می‌شد.

الگوی مشابهی در شوروی وجود داشت، تمام کتاب‌های درسی و آموزشی می‌بایست از خط رسمی یا فرآیندی که از کودکستان تا آموزش عالی استمرار می‌یافت، تبعیت می‌کرد (راش، ۱۳۷۷/۱۰۳-۱۰۵).

۳. تعداد کتاب‌های مورد بررسی این پژوهش ۱۴ عنوان کتاب، شامل ۵ کتاب فارسی اول تا پنجم، ۴ کتاب دینی دوم تا پنجم، ۱ کتاب تعلیمات اجتماعی پایه‌ی سوم و ۲ کتاب تاریخ و ۲ کتاب مدنی پایه‌ی چهارم و پنجم ابتدایی، چاپ سال ۱۳۸۰ است.

۴. اصطلاح فرهنگ سیاسی را نخستین بار «گبریل آلموند» به کار برد: «هر نظام سیاسی شامل الگوی خاص از جهت‌گیری‌ها، نسبت به کنش سیاسی است. من فکر می‌کنم که بهتر است این الگو را فرهنگ سیاسی بنامیم». به طور کلی فرهنگ سیاسی را حاصل جمع ارزش‌ها، هنجارها، باورها و گرایش‌هایی تعریف می‌کنند که در طول فرآیند یادگیری سیاسی شکل می‌گیرد.

«آلموند» و «وربا» در بررسی فرهنگ‌های سیاسی پنج کشور اروپایی، آن را به سه دسته تقسیم نمودند که عبارتند از:

الف) فرهنگ سیاسی محدود

به اعتقاد آلموند و وربا در فرهنگ سیاسی محدود، افراد حس نمی‌کنند که شهروند یک ملت هستند و باید در کارها و اعمال سیاسی مشارکت کنند. بنابراین آنان توانایی شرکت در مسائل سیاسی را ندارند و کمتر به آن می‌پردازند. «آلموند» و «وربا»

خاطر نشان کردند که کوشش برای رشد دموکراسی در یک فرهنگ سیاسی محدود خیلی مشکل است.

ب) فرهنگ سیاسی تبعه

در فرهنگ سیاسی تبعه، افراد خود را به عنوان شهروند یک ملت یا کشور خاص می‌شناسند. اما نسبت به دخالت در سیاست بیشتر به صورت منفعل عمل می‌کنند تا فعالانه. آنان به نظام سیاسی کشور خود افتخار نمی‌کنند و احساس تعهد کمتری نسبت به آن دارند. افراد در این گونه فرهنگ‌های سیاسی، فقط از دولت تبعیت می‌کنند و بس.

ج) فرهنگ سیاسی مشارکت

در این نوع فرهنگ سیاسی، مردم می‌دانند که شهروند یک ملت خاص هستند و بنابراین موظف به دخالت در امور سیاسی‌اند. آنان به نظام سیاسی خود افتخار می‌کنند و سطح بالایی از توانایی در مشارکت‌های سیاسی از خود نشان می‌دهند. آنان اغلب در یک یا چند انجمن سیاسی عضویت داشته و فعالیت می‌کنند. این نوع فرهنگ سیاسی نوع ایده‌آل فرهنگ جهت تحقق دموکراسی است.

منابع:

۱. آلموند، گابریل، آوجی بینگهام پاول جونپور، (۱۳۷۷)؛ *چارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی*؛ ترجمه‌ی علیرضا طیب. تهران: نشر مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۲. آلموند، گابریل، آوجی بینگهام پاول جونپور، (۱۳۷۷)؛ «جامعه‌پذیری سیاسی و فرهنگ سیاسی»؛ ترجمه‌ی علیرضا طیب، *مجله‌ی اطلاعات سیاسی - اقتصادی*؛ شماره‌ی ۱۱۳-۱۱۴؛ ص ۲۲-۳۱.
۳. ارسطو (۱۳۷۴)؛ *سیاست*؛ ترجمه‌ی حمید عنایت. تهران: چاپخانه‌ی سپهر.
۴. افلاطون (۱۳۵۳)؛ *جمهوری*؛ ترجمه‌ی رضا کاویانی و محمدحسن لطفی. تهران: چاپخانه‌ی خوشه.
۵. اوپنهام، ان (۱۳۷۵)؛ *طرح پرسشنامه و سنجش نگرش‌ها*؛ ترجمه‌ی مرضیه کریم‌نیا. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۶. تی بلوم، ویلیام (۱۳۷۳)؛ *نظریه‌های نظام سیاسی، کلاسیک‌های اندیشه و تحلیل سیاسی نوین*؛ ترجمه‌ی احمد تدین، جلد اول، نشر آران.
۷. شارع پور، محمود (۱۳۷۸)؛ *جامعه‌پذیری سیاسی؛ مجله‌ی فرهنگ عمومی*؛ فصلنامه‌ی شماره‌ی ۱۸ و ۱۹؛ ص ۱۳۱-۱۴۰.
۸. علاقه‌بند، علی (۱۳۷۹)؛ *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*؛ تهران: نشر روان.
۹. قوام، عبدالعلی، «*توسعه‌ی سیاسی و تحول اداری*»؛ تهران: نشر قومیس.
۱۰. کمالی اردکانی، علی اکبر (۱۳۷۴)؛ *در بررسی مفهوم جامعه‌پذیری با نگاهی به روند جامعه‌پذیری سیاسی ایران پس از انقلاب اسلامی*؛ تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۱. مهرداد، هرمز (۱۳۷۶)؛ *زمینه‌های جامعه‌شناسی سیاسی، جامعه‌پذیری سیاسی*؛ تهران: انتشارات پارژنگ.
۱۲. هولستی، ال. آر. (۱۳۷۳)؛ *تحلیل محتوای علوم اجتماعی*؛ ترجمه‌ی نادر سالارزاده امیری. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

References

- Ichilov, orit, 1990. "What text books teach Israeli youngsters about democracy". <URL: <http://WWW.bis-uni-oldenburg.de>.
- Ichilov, orit, 1990. political socialization, citizenship education and democracy, new york and london.
- Laxim pandit, Vijay. "the influence of pluralistic politics, political education and political socialization on two generations of india women 228" <URL:<http://www.bis-uni-oldenburg.de>.)
- Mojsiewics, Czeslaw, 2000. "political education in a unified Europe". <URL: <http://WWW.bis-uni-oldenburg.de>.)
- sigel, Robert, 1965. Assumption About the learning of political values, in the Annual of the American of political and Social Science, vol. 36.

